

حرف درشت

کی گفته شما بروی سر کار؟



پوریا عالمی

● چون مسئولان خیلی مبسوط پاسخ‌گوی مردم هستند و چون مجلس خیلی مبسوط دارد حرف مردم را می‌زند و چون رسانه‌ها خیلی مبسوط مسائل مردم را منعکس می‌کنند، خیلی وقت‌ها خوانندگان این ستون و روزنامه شرق شفاها، کتبا، اس‌ام‌اسا، تلفنا، ایمیل‌ا و این‌اواخر دایرکتا مشکلاتشان را به ما می‌گویند تا ما ترتیب‌اثر بدهیم. خلاصه ما از امروز تصمیم گرفتیم با توجه به اینکه کمتر کسی پاسخ‌گوست، خود ما آستین و پاچه شسلوار را بالا بزنیم و هر چندوقت یک‌بار پیغام – پیغام‌های شما را که برای من می‌فرستید اینجا منعکس کنیم و در حد وسع عقل خودمان به مسائل شما پاسخ دهیم.

مشکل مادرانه

خانم آزاده برای ما نوشته‌اند: «سلام علیکم، تعطیلی یک‌باره مدارس و مهدکودک‌ها به دلیل آلودگی هوا، مشکلات عیدیه‌ای برای مادرهای شاغل من‌جمله خود من پیش میاره و هر روز باید فکری برای نگهداری فرزندمون داشته باشیم... دولت راحت‌ترین راه رو همیشه انتخاب می‌کنه یعنی انداختن مشکل رو دوش خود مردم. ممنون میشم در ستون طنز یا این موضوع هم قلمی بزنید که زبان طنز از هر واقعیتی تلخ‌تره».

سلام آزاده‌خانوم.

۱- کی گفته شما بروی سر کار؟ آیا واقعا مادر بودن کم‌کاری است که شما آن را با شاغل بودن از بین می‌بری؟
۲- کی گفته مادر بودن شغل نیست؟ شما مگر برای دوران بارداری و زایمان مرخصی باحقوق نداشتی؟ هان؟
۳- کی گفته خانه‌داری شغل نیست؟ مگر با تعاریف جدید کار آشنا نشدی که هر کی توی خانه کار می‌کند شاغل است؟ حالا با این وضعیت که نصف جوان‌های مملکت بی‌کار هستند، شما می‌خواهی به من بگویی دوش‌غله و سه‌شغله هستی؟ یعنی هم خانه‌داری، هم مادری، هم بیرون می‌روی سر کار؟ وای بر من- تفو بر من- من هیچی، مسئولان محترم پاسخ جوانان بخت‌برگشته بی‌کار را چه بدهند؟
۴- کی گفته دولت برای آلودگی هوا مدارس را تعطیل می‌کند؟ اینها توطئه انگلستان است که جوانان ما نروند مدرسه و دکتر- مهندس نشوند. خبرهای موثقی دارم که غرب جهان‌خوار چندصد هزار نفر، بلکه بیشتر را استخدام کرده تا بروند پشت میلاد و سیگار بکشند و فوت کنند توی آسمان تهران تا هوا آلوده شود. گول این دودها را نخورید.

۵- کی گفته شما حالا که بچه‌دار شدی باید به فکر نگهداری فرزندت هم باشی؟ مگر احمدی‌نژاد نگفتند شما فقط بچه بیاورید، باقیش با ما؟!

۶- کی گفته دولت همیشه راحت‌ترین راه را انتخاب می‌کند و مشکلات را روی دوش مردم می‌اندازد؟ شما حتما از بودجه ۹۷ شاکی هستی. یک‌بار قرار شد خرج دولت و ارگان‌ها و نهادهای جاهای بودجه‌گیر را ما مردم حساب کنیم، آبرو برای دولت نگذاشیم.

۷- کی گفته ستون من طنز است؟ تنها کسانی که ستون طنز من را جدی می‌گیرند همین مسئولان روزنامه هستند که هی با خودکار سبز روش خط می‌کشند وگرنه خود من فکر می‌کنم ستونم کاملا جدی است.

۸- اصلا کی گفته زبان طنز از هر واقعیتی تلخ‌تره؟ هرکسی یک‌بار مرزه تلخی (که با جای نیات مصرف می‌شود)، مرزه هوای ایلام و خوزستان، مرزه آب پرملاح تهران و حتی مرزه انتهای آخر خیابان را هم تجربه کرده باشد، می‌داند که اینها خیلی تلخ است و از طنز هم تلخ‌تر است.
۹- کی گفته اصلا باید کار ما به اینجا بگشود که هم زنان ما بخواهند بروند ورزشگاه، هم برای ستون حرف درشت که یک مرد آن را می‌نویسد نامه بفرستند؟ واقعا ما داریم به کجا می‌رسیم؟

پیشنهاد

نگاهی مغزپژوهانه به درد در شعر شاملو

● چندروزی از سالگرد تولد احمد شاملو می‌گذرد. در ساعت هشتونیم صبحی که شب بدلا، شب زایش خورشید است، به سراغ شعر بامدادی احمد شاملو می‌رویم، اما نه به قصد فال‌گرفتن، بلکه برای یافتن ریشه درهای زمینی او. دکتر «عبدالرحمن نجل‌رحیم» در پژوهشی به‌سراغ این جنبه از شعرهای شاملوی بزرگ رفته است تا از دیدگاه مغزپژوهی، نگاهی به پدیده درهای انسانی در شعرهای او داشته باشد. دیوست‌وهشتادودمین جلسه مغزپژوهی اجتماعی در ساعت ۸:۳۰ صبح پنجشنبه، س‌ام آذر، در سالن همایش بیمارستان ایرانمهر، واقع در خیابان شریعتی تهران، نرسیده به دوراهی قلهک برگزار می‌شود.

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۲۷ آذر ۱۳۹۶ • ۲۹ ربیع‌الاول ۱۴۳۹ • ۱۸ دسامبر ۲۰۱۷ • سال پانزدهم • شماره ۳۰۲۷ • ۱۶ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۲:۰۱ • اذان مغرب ۱۷:۱۴ • اذان صبح فردا ۵:۴۹ • طلوع آفتاب ۷:۰۹

روزنفرها

کارتون خواب

سپهیل محمدی

آیا زمزمه های گرانی فقط به بنزین ختم می شود؟



۶ درجه

کیمیای سعادت؛

سواد رسانه‌ای در عصر رسانه‌های اجتماعی

حسین کرمانی؛ داغ‌شدن بحث اخبار جعلی، بیش از پیش اهمیت مفهوم سواد رسانه‌ای را نشان می‌دهد. درواقع، سواد رسانه‌ای ناظر به توانایی‌های شهروندان برای مقاومت در برابر فریب‌کاری رسانه‌هاست. اغلب محققان، این مفهوم را عاملی برای تقویت دموکراسی مشارکتی و مهارت‌های شهروندی دانسته‌اند. مفهوم سواد رسانه‌ای، در سال‌های اخیر در کشور ما نیز اهمیت بیشتری، خصوصا با قرارگرفتن آن در برنامه درسی مدارس یافته است، اما فهم چپستی سواد رسانه‌ای و راهکارهای درپیش‌گرفته‌شده برای تقویت آن در ایران با کُزفهمی‌ها و مشکلاتی روبه‌روست. من در این نوشته تلاش می‌کنم اصول اساسی این مفهوم را معرفی کنم تا در یادداشت بعدی به آسیب‌شناسی عملیاتی‌شدن مفهوم سواد رسانه‌ای در کشور بپردازم.

تعاریف متعدد و مختلفی از سواد رسانه‌ای وجود دارد که از جنبه‌های مختلف به معرفی این مفهوم پرداخته‌اند؛ به‌عنوان‌مثال، آفدرهید (۱۹۹۲) سواد رسانه‌ای را به‌عنوان یک جنبش برای کمک به فهمیدن، تولید و مذاکره بر سر معنا در فرهنگ تولیدشده به وسیله تصاویر، کلمات و صداها تعریف می‌کند. به اعتقاد او فرد با سواد رسانه‌ای، می‌تواند پیام‌های رسانه‌های چاپی و الکترونیکی را رمزگشایی، ارزیابی، تحلیل و تولید کند. آفدرهید بر برخورد انتقادی با رسانه‌ها به‌عنوان یکی از اجزای اصلی سواد رسانه‌ای



تاکید می‌کند؛ مسئله‌ای که در تعاریف بعدی نیز مورد توجه بوده است. او پنج ویژگی رسانه‌ها را به شرح زیر برمی‌شمرد:
- رسانه‌ها ساخته‌شده و سازنده واقعیت هستند.
- رسانه‌ها، الزامات تجاری دارند.
- رسانه‌ها الزامات سیاسی و ایدئولوژیک دارند.
- شکل و محتوا در هر رسانه‌ای به هم مرتبط هستند و هر یک قرار داده‌ا و کدهای زیبایی‌شناختی خاص خود را دارند.
- دریافت‌کنندگان بر سر معنا تولیدشده از سوی رسانه‌ها مذاکره می‌کنند (همان).
برخورد انتقادی با رسانه‌ها در تعریف کمیسیون اتحادیه اروپا (۲۰۰۷) بیشتر برجسته شده است. کمیسیون اتحادیه اروپا، سواد رسانه‌ای را توانایی دسترسی به رسانه‌ها، درک و ارزیابی



حسین ع‌بده‌تبریزی

در پذیرش مهاجر، کشورهای پیشرفته جهان بی‌پروا سیاست‌های خود را اعلام کرده‌اند. باراک اوباما در سال ۲۰۱۳ سیاست‌گذاری آمریکا در این زمینه را با کلمات زیر بیان می‌کند: «جذب مهندسان و کارآفرینان بسیار ماهر که به خلق شغل و رشد اقتصاد آمریکا کمک کنند»، بنابراین، هدف‌گذاری برای جذب مهاجران ایرانی نیز از میان زنان و مردانی است که ارزش خلق می‌کنند، تولید ملی را ارتقا می‌دهند و به اشتغال کمک می‌کنند؛ یعنی، کشور درست همان افرادی را از دست می‌دهد که باید در کشور بمانند و دولت، نهادهای عمومی و بنگاه‌ها را اداره کنند؛ باید بمانند تا هدایت اقتصاد، سیاست، ورزش، هنر و جامعه را برعهده گیرند.

«فرامغزا» اصطلاحی است که انگلیسی‌ها برای مهاجرت دانشمندان و قانونان خود به ایالات متحده و آمریکا در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ قرن گذشته معمول کردند. این اصطلاح بعدها بیشتر در مورد مهاجرت گسترده افراد تحصیل‌کرده از کشورهای درحال‌توسعه به کار رفت. وقتی این کشورها، از جمله ایران این سرمایه‌های انسانی را از دست می‌دهند، انگ یک توسعه اقتصادی آنها بسیار کند می‌شود و شهروندان آن کشورها در وضعیت دشواری قرار می‌گیرند.

موج مهاجرت نخبگان از ایران حال به لایه‌های

زیر آسمان

جامعه‌تکریم‌شده

محمد معینی

۱) «نابرابری توجه، به نابرابری احترام می‌انجامد»؛ این را تیموتی گارتن‌اش (استاد مطالعات اروپایی آکسفورد) چندوقت پیش در یادداشتی درباره اوضاع اروپا، در گاردین نوشته بود. این اما، به قاعده‌ای کلی می‌ماند؛ نوشته بود: «بازتوزیع فقط برای پول نیست، احترام را هم می‌توان بازتوزیع کرد».
۲) در این هفته‌های اخیر، سه عذرخواهی، ارزش خبری پیدا کردند؛ عذرخواهی حجت‌الاسلام قرانئی، عذرخواهی وحید قناییان و عذرخواهی اسحاق جهانگیری، فشارخ از بیش‌وکم صراحت در این عذرخواهی‌ها، این منظومه اننگار جدی‌تر از همیشه به چرخش درآمده؛ منظومه «توجه به افکار عمومی» و، این، البته که کافی نیست.

۳) ۲۵ آبان‌ی که گذشت، رسانه‌ها گزارش کردند: یک شرکت راه‌آهن در ژاپن به دلیل اینکه یکی از قطارهایش ۲۰ ثانیه زودتر از زمان مقرر به راه افتاده، از مسافران عذرخواهی کرده است. مدیران مسیر توکیو به شهر «تسوکوبا» شرکت «تسوکوبا اکسپرس» می‌گویند آنها «از مصیم قلب بابت مشکلاتی که برای مسافران پیش آمده» عذرخواهی می‌کنند. در پیانه این شرکت که در وب‌سایت آن منتشر شده، آمده که قطاری که قرار بوده ساعت ۹:۴۴:۴۰ صبح به وقت محلی حرکت کند، ساعت ۹:۴۴:۲۰ صبح به راه افتاده است.این رویداد نشان می‌دهد هنوز به راه افتاده توجه به افکار عمومی در کشور، از برخی نمونه‌های عملی (و نه تخیلی) فاصله دارد، اما احتمالا بسیاری می‌پذیریم که این توجه‌های بیشتر به افکار عمومی؛ الف: شروع خوبی است. ب: محصول رسانه‌دارشدن تعداد بیشتری از مردم به مدد شبکه‌های اجتماعی است.

۴) البته روی سخن با «شروع خوب» است و غایت این شروع، این رخدادهای نزدیک عذرخواهی‌ها، شروع خوبی است، اما نباید «هدف غایی» شمرده شود؛ آن «احترام‌ی که جامعه را مکرم می‌سازد، از همین عذرخواهی‌چهره‌ها و شخصیت‌ها جان می‌گیرد. جامعه تکریم‌شده، خیلی زودتر از بسیاری، متوجه می‌شود «بازتوزیع، فقط برای پول نیست»، خود، سازمان کرامت‌ت خود را پاسداری می‌کند و ملنفت «برابری توجه»ها می‌شود. اقتضات احیا و مانایی آن «احترام» چنان باید مدنظر باشد که این عذرخواهی‌ها، همچنان بر دل نشیند.

دور دنیا

چه کسی لویی چهاردهم را خرید؟

همه ادعاهای فسادستیزی شاهزاده عریستان با گزارش دو روز گذشته نیویورک تایمز نقش برآب شد. روزنامه آمریکایی در این گزارش افشا کرد که محمد بن‌سلیمان یک کاخ را در ورسای که به سبک کاخ لویی چهاردهم، پادشاه قرن هفدهم فرانسه، ساخته شده، با تمام زمین‌های متعلق به آن در سال ۲۰۱۵ به مبلغ ۳۰۰ میلیون دلار خریده است. این عمارت به‌این‌ترتیب گران‌ترین ملک فروخته‌شده در تاریخ لقب گرفته است. درواقع شاهزاده محمد بن‌سلیمان برای خریدن این املاک، پشت چند چاند شرکت نفتی ثبت‌شده در فرانسه و لوکزامبورگ پنهان شده بود که این عمارت را دو سال پیش خریداری کرده بودند. کاخ یادشده در ورسای فرانسه در سال ۲۰۱۱ تکمیل شده است.

یادداشت

ضرورت حفظ نیروهای فکری و کیفی در کشور

به مناسبت روز بین‌المللی مهاجران

میانی‌تر نیروهای انسانی بسط یافته است. بسیاری از افراد بامهارت مانند تکنسین‌های فنی، تکنسین‌های کامپیوتر، پرستاران ماهر، فیزیوتراپ‌ها، متخصصان تغذیه، گرافیسیت‌ها و ... کشور خود را ترک می‌کنند و در شرایط دشوار امروز جهان، در دنیا به دنبال رؤیای خود می‌روند. اتفاقا همین قشر ماهر میانی نیز سخت موردنیاز کشورند. اینان نیروهایی‌اند که کار در داخل کشور برایشان فراهم است و امکان دستیابی به سطح زندگی متوسط دور از دسترسشان نیست. این موج مهاجرت در برهه‌های زمانی خاص در ایران تشدید شده و در سال‌های اخیر نیز دوباره شدت یافته است.

هرچند مهاجران ایرانی نیز مانند سایر مهاجران با سودای سطح زندگی بهتر و کیفی‌تر، دستمزدهای بالاتر و دسترسی به تکنولوژی پیشرفته‌تر (یعنی انگیزه‌های اقتصادی) بار سفر می‌بندند، اما جست‌وجوی شرایط سیاسی ثبات و محیط روادار فرهنگی نیز نقش پررنگی در تصمیم آنان ایفا می‌کند. مهاجران ایرانی دارایی‌های قابل‌بازیافتی هستند که می‌توانند در استفاده از فرصت‌های توسعه کشور نقش آفرین باشند. اما بازیافت آنان با اقدامات خلاق و متنوعی نیاز دارد.
تاکید بر حفظ نخبگان و نیروهای ماهر در درون کشور و جلوگیری از مهاجرت آنان نخست نیازمند شناسایی این واقعیت است که حضور آنان در درون کشور برای توسعه همه‌جانبه کشور در سطوح اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ضرورت دارد. متأسفانه نشانه‌های روشنی در سیاست‌های دولت برای اصرار در محدودکردن آهنگ مهاجرت به چشم نمی‌خورد.

آکادمی

طب و وقف

هم به تأخیر نمی‌انداخت. اما در همان دوران قدیم هم وقف اموال، نه برای بیمارستان که عمدتا برای جهاتی متعالی‌تر از این‌گونه امور این جهانی صورت می‌گرفت. شاید دلیلش آن بود که در سال‌های دور، زردی طب در برابر سرخی تقدیر رنگ باخته بود و طب قدیم به‌درستی تأثیری واقعی و رادیکال بیش از تأثیر اواراد و معجون‌های سنتی بر یادها نگذاشته بود. بنابراین وقف بیمارستان پدیده‌ای مدرن و خود برگرفته از فرهنگ اروپایی بود و در عرض چند ده سال در کشور رایج شد. ازاین‌روست که می‌توان نتیجه گرفت تعطیل‌شدن یا کاهش وقف بیمارستان در چند ده سال اخیر هم عمدتا به‌دلیل رواج یا بازگشت به‌نوعی ناباوری نسبت به خدمات پزشکی مدرن است. ناباوری‌ای با ریشه‌ای بدوی که شاهدهیم در مدرن‌ترین افکار کشور هم به بقای خود ادامه می‌دهد و به این شکل خود را نشان می‌دهد که موضوع سلامت را صرفا نتیجه کار پزشکان می‌بیند نه نتیجه سیستم اقتصادی-اجتماعی واقعا موجود!
با هیچ ترتیب دیگری نمی‌توان فهمید که چرا در کنار کیلومترها ساختمان در شرق و غرب تهران حتی یک بیمارستان بزرگ چند هکتاری به‌دست می‌آید یا چند نفر از صاحبان گوناگون این سرمایه‌ها ساخته نشده است! گویی در ذهن بیشتر ایشان این همه هزینه برای ساخت بیمارستان نتیجه‌ای روشن برای این و آن دنیا ندارد.

وقتی طبق عقاید رایج، بیمار می‌تواند بین طب سنتی و انرژی‌درمانی ... و طب مدرن یکی را انتخاب کند، اصلا چرا باید سرمایه خود را که حتی از حیث مبادله با خیرات آخرت هم منافع روشنی ندارد، هدر دهید؟ وقتی اندکی بیشتر تأمل کنیم درمی‌یابیم که همین بیمارستان‌های موجود هم بیشتر از آنکه محلی برای کار پزشکی به‌معنای مطلق آن باشند، محل‌هایی برای کارهای هستند که نتایج آنها بسیار عینی و زودرسند، اما درمان‌ها و امکانات برای تشخیص و درمان‌های پیچیده بیماری‌های داخلی از هر نوع در همین بیمارستان‌های موجود هم با دچار بحران‌های جدی هستند یا حداقل تحت‌الشعاع درمان‌های نوع اول قرار دارند. حتی به نظر می‌رسد تا همین اواخر دولت هم متوجه وظیفه مسکنی خود در تأمین حداقل‌های درمانی مردم در زمینه‌های اورژانس قطع نظر از داخلی یا جراحی آن و مراقبت از بیماران مزمنی که درمان‌هایی حاد با نتایج ملموس ندارند، نبود و در پرداخت هزینه‌های بیمارستان‌ها چنین تفکیکی را قائل نمی‌شد و به‌همین‌دلیل زیر بار سنگین مخارجی رفت که حتی در پیشرفته‌ترین کشورها هم دولت خود را موظف به تأمین آنها حداقل در کوتاهمدت نمی‌بیند.

باور به معجزه طب مدرن، آن هم در غیرملموس‌ترین وجوه آن، همان معجزات و درمان‌هایی که تنها به چشمان مسلح به آمار می‌آیند، مهم‌ترین نکته‌ای است که می‌تواند باعث جذب سرمایه به کار پزشکی شود. خیرات و وقف هم از این شمول خارج نیست! اتفاقا مصرف‌نکردن منابع صدقاتی برای ساخت بیمارستان خود نشانه‌ای است از جایگاه این موضوع در ساختار اخلاقی موجود در جامعه ما که بی‌تردید بر شیوه سرمایه‌گذاری‌های دولتی و غیرصدقاتی ما در بخش سلامت، هم تأثیر می‌گذارد. این ناباوری قطعا خواسته و ایجادشده از سوی دولت نیست، اما ایشان در راستای ارتقای سلامت وظیفه‌ای مهم‌تر از مقابله با آن ندارند.

و تقسیم اموال وزیر را حتی تا سپ‌فردای مرگ او